

## حسن بن ابوالحسن (یسار) مکنی به ابوعلی یا ابو محمد

الحاج عبدالکریم غریق

حسن بصری: حسن بن ابوالحسن (یسار) مکنی به ابوعلی یا ابو محمد و طبق گفته بعضی ها ابو سعید بوده و معروف به حسن بصری می باشد. وی پایه گذار مکتب کلامی اهل سنت و جماعت و یکی از زهاد هشتگانه است نامبرده در اواسط خلافت حضرت عمر فاروق در سال بیست و یک هجری قمری متولد گردید پدرش یسار و مادرش خیره نام داشتند و ایشان از منطقه دشت میسان بصره و از سرزمین های شرق اسلامی بودند که اول به شکل اسیر به مدینه آورده شدند می گویند پدر حسن بصری یسار مولای زید بن ثابت بوده اما ابن سعد آورده است که یسار از اسیران دشت میسان بوده او را به مدینه آوردند و ربیع دختر نضر که عمه مالک بن انس بود او را خرید و آزاد کرد اما به هر حال پدر و مادر حسن بصری پس از مدتی آزاد گردیدند و به دین اسلام مشرف شدند و خیره مادر حسن بصری بیشتر با ام سلمه زوجه نبی اکرم (ص) در رفت و آمد بود و اکثر اوقات با وی یکجا زنده گی می کرد و در سال بیست و دوم هجری که یسار و خیره دارای نوزادی پسر شدند وی را حسن نام نهادند و طبق عادات زمان یسار را ابوالحسن می گفتند و هر روز خیره حسن را به آغوش گرفته نزد ام سلمه می رفت و وی را روی حصیری می گذاشت و هر گاه برای انجام کاری از خانه بیرون می رفت و حسن گریه می کرد فوراً ام سلمه او را بر می داشت و پستانش را در دهان او می گذاشت و او را تا آمدن مادرش مشغول می ساخت و گاهی قطره های از شیر پستان ام المومنین در دهانش می چکید و همان کودک حصیر نشین بود که بزرگترین مکتب کلامی را اساس گذاری کرد و پیروزی را از یمن همان قطره های شیری می دانست که نسبتی با رسول الله داشت.

خیره حسن را بسیار دوست می داشت و به آینده اش بسی امیدوار بود و بارها بعد از فراغت از کارهای منزل در حالیکه او را در آغوش گرفته بود به محضر صحابی های بزرگ می شتافت تا برای او دعای خیر کنند. فاروق اعظم عمر بن خطاب (رض) یکی از اصحاب بزرگوار بود که وقتی حسن را در آغوش مادر دید بعد از نگاه محبت آمیز برای او چنین دعا کرد: بار الها! حسن را فقیه و دانشمند معارف اسلامی و محبوب مردمان بگردان. حسن در مدینه پرورش یافت و همزمان با رشد جسمی سطح آگاهی او نیز بالا می رفت وی قرآن را حفظ کرد احادیث و باقی معارف اسلامی را نیز از ابن عباس، ابن عمر، ابوبکره، عمر بن تغلب، جابر، ثمره بن جندب، عمران بن حصین و انس

بن مالک آموخت و علاوه بر روایت حدیث از امیرالمومنین عثمان ذی النورین خطبه و خطابه های او را استماع می نمود و با آرامش خاطر روز جوانی را در کسب هرچه بیشتر معارف اسلامی به سر می برد و خوشحال از اینکه جهان اسلام به آرامی گسترش می یافت. در ایت اوضاع و احوال که هنوز بیشتر از چهارده سال از عمر وی سپری نگردیده بود که ناگاه این خبر وحشتناک در شهر پیچید که چندین ستون افراد از سپاه آشوبگران به تحریک یک نفر یهودی به نام عبدالله بن السوءاء خانه امیرالمومنین عثمان ذی النورین را محاصره کرده و اصرار دارند که اگر خود را مجازات نکند و از خلافت کناره گیری نماید وی را به قتل خواهند رساند و پس از مدتها محاصره ناگاه این خبر تلخ و وحشت انگیز به گوشها رسید که آشوبگران به درون خانه نفوذ کردند و در حالیکه امیرالمومنین عثمان ذی النورین قرآن را تلاوت می کرده او را به ضرب شمشیر شهید نموده و قطره های از خون او بر این آیه ها ریخته شده است.

فسیکفیکم الله و هو السميع العليم صبغءالله. سوره بقره آیه ۱۳۷ و ۱۳۸ (و در آینده نه چندان دور برای انتقام از آنها و او شنوا و داناست ) به بین رنگ و رنگینی کار خدا را.

و این حادثه هولناک در قلب و روح حساس و لطیف حسن نو جوان آنچنان موثر افتاد که بعد از گذشت دهها سال باز به عنوان تلخ ترین خاطره ها از آن یاد می شود و می گفت در یوم الدار من چهارده ساله بودم و از شهادت حضرت عثمان ذی النورین علاوه بر اینکه شاهد وقوع فاجعه بسیار بزرگ و بی سابقه بود در آنروز دروازه ها بر روی تمام آشفته گیهای داخلی و خارجی و حوادث خونین صفین، جمل، نهروان و فاجعه بسیار خطرناک شهادت حضرت علی مرتضی و تبدیل خلافت اسلامی به سلطنت های بعدی گشوده شد.

بالآخره حسن دوران نو جوانی را زیر رگبار صخره های توفان حوادث پشت سر گذاشت و آغاز دوران جوانی اش مصادف سال چهل و یک هجری و سال صلح حضرت حسن مجتبی با حضرت معاویه بود که آنرا سال جماعت یعنی اجتماع مسلمانان بر یک امیر نامیدند و یک امنیت و آرامش ظاهری مشاهده می شد اما آرامش بعد از توفان و رگبار آن همه صخره ها ویرانیها و آن همه تلفات جانی و خانه خرابیها که مشاهده این اوضاع رومیها را به طمع انداخت که چنان خام تصرف مصر و شام را در سر پیروانند و نیرو های دریای خود را در شرق دریای مدیترانه پیاده کنند در این هنگام حسن پسر یسار به موازات کسب معارف اسلامی به تعلیمات نظامی و آگاهی از مسائل جهاد و دفاع اسلامی روی آورد و در پیشاپیش ستون های رزم آوران به میدان جنگ های دفاعی و ترد رومیان از شرق دریای مدیترانه شتافته و آوازه دلاوری و شجاعت خود را به همه جا می رساند و آوازه دلاوری و شجاعت خود را به همه جا



میرساند بطوریکه او را در ردیف پر آوازه ترین دلاوران روزگار قرار می دادند و شاید همین دلیری و رزمجوئی سبب انتقال حسن به شهر بصره محل پر سابقه ترین پادگان نظامی اسلامی گردید و بدان سبب وی به حسن بصری معروف شد.

حسن بصری سه سال همراه عبدالرحمن بن سمره در جنگ های کابل، اندقان (اندیجان) سجستان و زابلستان شرکت کرد و در جریان قیام عبدالرحمن بن اشعث در سر زمین افغانستان امروزی، طرفداران ابن اشعث او را بزور به جنگ بردند تا اینکه وی از چنگ آنها فراری شد.

حسن بصری به همان اندازه که مرد شمشیر و عمل بود مرد قلم و علم نیز بود و همانقدر که مجاهدی دلاور و نستوه بود دانشمندی کوشا و پژوهشگر هم بود و بخش اعظم عمر خود را همزمان در دو جبهه جهاد و مبارزه با جهل مصرف نمود و در سن چهل سالگی وقتی پیشقراولان تهاجم فرهنگی را از دور مشاهده کرد احساس نمود که خدمات علمی و فرهنگی او بیشتر مورد نیاز مسلمانان است از مبارزات نظامی کناره گیری کرد و تمام توانائی خود را وقف پژوهشهای علمی و ارتقاء به مدارج معارف اسلامی نمود و بجائی رسید که وقتی مطلبی را از انس بن مالک و خادم پیامبر اسلام سوال کردند، گفت: در باره ای این مسئله از حسن مولای ما سوال کنید زیرا هر چه ما شنیده ایم او نیز شنیده و ما چیزهای را فراموش کرده ایم که او فراموش نکرده است و بار دیگر نیز گفت که من به خاطر این دو استاد حسن بصری و ابن سیرین به اهل بصره غبطه می خورم و قتاده نیز گفت: ( من هیچ فقهی را در علم و فضل همتای حسن بصری ندیده ام) شعبی به مردی که عازم بصره بود گفت: در بصره هرگاه مردی را دیدی که جمال و زیبایی ابهت و وقارش بود سلام مرا بر او برسان که او حسن بصری است محمد بن سعید هم در باره او گفته است: دانشمندی است بلند پایه و در معارف اسلامی موج می زند، پارسا و پرهیزگار و سیمای بسیار زیبا و دل انگیز و با ابهتی دارد من خود مشاهده کردم هنگامیکه به قصد حج به مکه آمد و بر تختی نشست علماء و دانشمندانیکه به دور او حلقه زده بودند با چه علاقه و ولعی به توضیح و تفسیر بیان او گوش میدادند.

حسن بصری شب جمعه در ماه رجب سال ۱۱۰ هجری قمری در بصره صد روز پیش از مرگ محمد ابن سیرین به سن هشتاد و نه سالگی در گذشت و او را ایوب و حمید طویل غسل دادند و قبرش در مغب شطه العرب است و نامبرده ده سال از محمد ابن سیرین بزرگتر است. وی ۱۳۰ کس از اصحاب رسول الله (ص) به شمول هفتاد تن از بدریان را دیده و از فقها، زهاد و فضحای عصر حجاج و عمر بن عبدالعزیز است. حسن بصری مدتی کاتب ربیع بن زیاد حارثی

والی خراسان در عهد معاویه (رض) بود. نامبرده از ابی بن کعب، سعد بن عباده و عمر بن خطاب گرچه ایشان را درک نکرده و از ثوبان، عمار یاسر، عمرو بن تغلب، اسود بن سریع، جندب بن عبدالله، صعصعه بن معاویه، سمره بن جندب، ابی هریره، عثمان بن ابی العاص معقل بن سنان، عثمان ذی النورین، علی مرتضی، ابو موسی اشعری، ابی بکره، عمران بن حصین، جندب بجلی، عبدالله بن عمر، عبدالله بن عباس، عبدالله بن عمرو بن عاص، معقل بن یسار، انس، جابر و مردمان زیادی دیگر از صحابه و تابعین حدیث روایت نموده و از او حمید طویل، برید بن ابی مریم، ایوب، قتاده، عوف اعرابی، بکر بن عبدالله مزنی، جریر بن حازم، ابو الاشهب، ربیع بن صبیح، سعید جریری، سعد بن ابراهیم بن عبدالرحمن بن عوف، سماک بن حرب، شیوان نحوی، ابن عون، خالد الحذاء، عطاء بن سائب، عثمان بتی، قره بن خالد، مبارک بن فضاله، معلی بن زیاد، هشام بن حسان، یونس بن عبید، منصور بن زاذان، معبد بن هلال، یزید بن ابراهیم تستری، معاویه بن عبدالکریم ثقفی معروف به ضال و دیگران روایت نموده اند.

تألیفات وی عبارت اند از: تفسیر قرآن، رساله ای در فضل مکه، کتاب الاخلاص و رساله ای برای عبدالرحیم بن انس. حسن بصری در ادبیات فارسی نشانه زهد و تقوی است نامش در اشعار بسیاری آمده است، چنانچه مولوی در کتاب مثنوی در باره او چنین سروده است: گفت زان فضلی خدیجه با حسن تا بدان شد وعظ و تذکیرش حسن حسن بصری را صوفیه مرید امیرالمومنین علی مرتضی میدانند و حبیب اعجمی پیر طریقت داوود طائی مرید او است اما بعضی از مورخین از جمله حافظ ابن کثیر دمشقی صاحب کتاب البدایه والنهایه از دو نفر تابعی بنام حسن و به شهرت بصری نام برده اند که اولی فرزند یسار و خیره و بیشتر در معارف اسلامی معروف و مرد مبارزه با کفار و جهال بوده و مکتب سلفیه را پی ریزی نموده است و دومی بیشتر به زهد و عبادت معروف و در کتب تصوف مفصلاً مذکور است. چنانکه شیخ فریدالدین عطار نیشابوری در کتاب تذکره الاولیاء می نویسد: آن پرورده نبوت، ان خوکرده فتوت، آن کعبه عمل و علم، آن خلاصه ورع و حلم، آن سبق برده به صاحب صدری، صدر سنت حسن بصری (رض) مناقب او بسیار است و محامد او بیشمار است، صاحب علم و معامله بود و دائم خوف و حزن حق او را فرو گرفته بود و مادر او از موالی ام سلمه بود چون مادرش به کاری مشغول شدی حسن در گریه آمدی ام سلمه (رض) پستان در دهانش نهادی تا او بمکید قطره چند شیر پدید آمدی، چندان هزار برکات که حق از او پدید آورد همه از شیر ام سلمه بود. و نیز آورده است که چون حسن در وجود آمد او را پیش عمر (رض) آوردند گفت: او را نام حسن کنید

که نیکو روی است. همچنان عطار نگاشته است که ارادت او به علی (رض) بوده است و در علوم رجوع به او کرده است و طریقت از او گرفته است.

محمد بن سعد در کتاب طبقات به نقل از سلیمان بن حرب از حماد بن سلمه و او از یزید رشک آورده است که حسن بصری سرپرستی قضاء را داشته و نیز از قول سعید بن عامر و او از همام بن یحیی و او از قتاده نگاشته است که نامه ای از قاضی کوفه برای ایاس بن معاویه آوردم وقتی با نامه رسیدم ایاس از قضاوت بر کنار و حسن بصری به جای او به قضاوت گماشته شده بود.

#### منابع:

- سیر کلام اهل سنت از حسن بصری تا ابوالحسن اشعری از صفحه ۴۲ الی صفحه ۴۷
- تهذیب التهذیب جلد اول از صفحه ۵۴۱ الی صفحه ۵۴۵
- طبقات محمد ابن سعد جلد هفتم از صفحه ۱۶۱ الی صفحه ۱۸۳
- تقریب الثقات صفحه ۳۵۲
- الکاشف جلد اول صفحه ۱۷۵
- لغت نامه دهخدا جلد ششم صفحه ۸۹۸۷
- البدایه والنهایه جلد نهم از صفحه ۲۸۱ الی صفحه ۲۸۸
- تذکره الاولیاء عطار نیشابوری از صفحه ۳۴ الی صفحه
- کشف الظنون حاجی خلیفه صفحه ۲۱۹